



بررسی تطبیقی عبارات "عندالله" و "عندرب" و متعلقات آن دو در قرآن کریم

زهرا چراغچی^۱، امیر توحیدی^۲، مجید معارف^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۴/۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۴/۳۱

چکیده

دو فصلنامه
بهار و تابستان ۱۴۰۳
دوره پنجم، شماره نهم



تدبیر، اصلی بی‌بدیل در تعامل و مواجهه انسان با گنجینه وحی و کلام الله مجید است. وقتی این سؤال پیش می‌آید که آیات قرآنی درصدد بیان چه چیزی هستند، مهم‌ترین موضوعی که به ذهن متبادر می‌شود، تعیین ارزش معنایی آیات است که بی‌شک با تدبیر حاصل می‌گردد چراکه خداوند حکیم در قالب واژگان عربی پیام خویش را ارائه نموده است. بنابراین، تکیه بیشتر بر آیات و تعبیرات قرآنی و دریافت مفاهیم و جمع‌بندی‌های معنایی و محتوایی از متن قرآن، باید بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد. حین مطالعه در آیات قرآن با عباراتی مواجه می‌شویم که مضاف آنها یکسان، ولی مضاف‌الیه آنها متفاوت است به طور مثال در برخی آیات مفرده عند در کنار "الله" و در برخی موارد با واژه "رب" به‌کار رفته است. این سؤال در ذهن خواننده ایجاد می‌گردد چه تفاوتی بین عبارات "عندالله" و "عندرب" در قرآن کریم وجود دارد و خداوند در کنار این تعابیر چه موضوعاتی را مطرح کرده است و از طرح این موضوعات چه هدفی را دنبال می‌کند؟ آیا می‌توان از طریق شناخت رابطه محتوایی این عبارات به فهم عمیق‌تری از قرآن دست یافت؟ پژوهش حاضر به منظور پاسخ به سؤالات تحقیق و با روش توصیفی - تحلیلی صورت گرفته است. بر اساس بررسی‌های انجام شده رابطه معناداری بین استفاده از ترکیب‌های متفاوت متعلقات "عند" در قرآن مجید وجود دارد. علم، عهد، آیات، کتاب،

۱- دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، hafezquranzchphd@gmail.com

۲- دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، amir-tohidi-11@yahoo.com

(نویسنده مسئول)

۳- استاد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه تهران، تهران، ایران، maaref@ut.ac.ir

نصرت، رزق، آخرت، خیر و بقاء و... از متعلقات "عندالله" در قرآن و در کنار "عندرب" موضوعاتی مانند دارالسلام، قدم صدق، نزول عذاب، احوال مجرمین و... به کار رفته است. بر این اساس هم پوشانی، افتراقات و اشتراکات این دو عبارت احصاء و مورد بررسی قرار گرفته و مشخص گردید در موضوعاتی مانند علم، درجات پاداش الهی، شهدا هم پوشانی وجود دارد.

واژه‌های اصلی: عند، الله، رب، قرآن کریم، بررسی تطبیقی.

مقدمه

واژگان قرآن یکی از عناصر انتقال معنا به مخاطبان خود بر شمرده می‌شوند که آشنایی با معنای ظاهری و باطنی و کشف ارتباط آنها می‌تواند خواننده قرآن را هرچه بیشتر به مقصود و مراد به کارگرفته آنها واقف نماید.

وجود عبارات متفاوتی مانند "عندالله"، "عندرب"، "عندالرحمن"، "عندبارئ" و "عندملیک مقتدر" در قرآن این سؤال را در ذهن ایجاد می‌کند که خداوند از بیان این تعابیر گوناگون چه هدف مقصودی را دنبال می‌کند و چرا تعابیری این چنین و با مضاف یکسان ولی مضاف الیه‌های متفاوت ذکر کرده است؟ لذا تعابیر مذکور می‌تواند کارکردهای متفاوت و یا مشترکی داشته و در عین حال افق گسترده‌ای برای فهم آیات پیش روی مخاطبان خود ایجاد نماید.

از آنجایی که خداوند حکیم از به کارگیری تک تک کلمات قرآن کریم دارای منظور و مقصود خاصی بوده لذا به منظور تدبیر بیشتر در کلام وحی بررسی محتوایی، تطبیق و کشف ارتباط بین متعلقات عبارات "عندالله" و "عندرب" در قرآن مورد توجه و ضروری به نظر می‌رسد ولی تاکنون در پژوهش‌های قرآنی مورد بررسی قرار نگرفته است.

این پژوهش حاصل بررسی حدود ۹۷ آیه از قرآن کریم است که مشتمل بر عبارات «عندالله» و «عندرب» بوده و سعی شده با درنگ و ژرف‌کاوی در آیات مربوطه بیشترین و کمترین متعلقات و اشتراکات و افتراقات را احصاء و بررسی نموده تا راهی برای تقرب و نیل به هدف غایی خالق و درک بیشتر از لطایف و مضامین قرآنی را فراسوی خواننده فراهم آورد و دیگر تعابیر در این پژوهش جای مقال نمی‌باشند. نوع تحقیق حاضر از نوع بنیادی و روش توصیفی - تحلیلی بوده است و برای دستیابی به سؤالات تحقیق، از روش کیفی استفاده شده و به منظور ثبت داده‌ها، تمامی متن کلام الله مجید از طریق نرم افزار قرآنی جامع التفاسیر در خصوص موضوع پژوهش حاضر، به شکل متن و فایل Word وارد نرم افزار MAXQDA10 شد و مقوله بندی گردید تا مشخص گردد خداوند کریم در آیات مورد نظر چه موضوعی را بیشتر مورد توجه قرار داده است.

مفهوم شناسی واژگان

عند: لفظی است که در لغت عرب دلالت بر قُرب و نزدیک بودن دارد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق،



ص ۵۹۰). معانی فارسی عند از قبیل: نزد، نزدیک، سوی، پیش و... می باشد. عند برای ظرف حقیقی و مجازی و به معنی مطلق داشتن به کار می رود، خواه همراه دازنده باشد و خواه نباشد، مانند: "عندی مال"؛ خواه آن مال همراه گوینده باشد و خواه همراه او نباشد. اما گفته شده اصل استعمال عند، در مورد چیزی است که نزدیک عضو و یا جانبی از جوانب شخص باشد و گویند که مفهوم عند، نهایت و غایت نزدیکی است (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۴۵). چنانچه طریحی در مجمع البحرین ذیل مفرد "عند" می نویسد: عند ظرف مکان و زمان و غیر متمکن است و تنها حرف جر "من" بر آن وارد می شود و در اصل در مورد چیزی به کار می رود که نزد تو حاضر باشد (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۱۰۹).
الله: اسم علم برای ذات واجب الوجود جامع همه اوصاف کمال است (ابن فارس ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۷۷). اما کسانی که قائل به اشتقاق این کلمه شده اند نیز در مبدأ اشتقاق اختلاف دارند که اقوال در این زمینه زیاد و خارج از بحث می باشد اما آنچه در سخنان پیشوایان معصوم علیهم السلام درباره "الله" و ویژگی هایش آمده است؛ "الله" مشتق از "وله" به معنی "تحیر" است، چراکه عقل ها در ذات پاک او حیران است، این سخن امیرمؤمنان علیه السلام است: "الله معناه المعبود الذی یأله فیه الخلق ویؤله إلیه و الله هو المستور عن درک الابصار و المحجوب عن الأوهام و الخطرات." (صدوق، ۱۴۰۷، ۸۹) که قسمت اخیر حدیث اشاره به آیه (لاتدرکه الابصار و هو یدرک الابصار) (انعام: ۱۰۳) دارد. الله به معنای معبودی است که خلق واله و سرگشته ذات اویند و به سوی او باز می گردند. او پوشیده از ادراک و فرائد دسترس اوهام و خیالات است و از افکار و عقول خلق محجوب (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۲۲۲). گاه نیز آن را از ریشه "أله" (به معنی عبادت) دانسته اند، و در اصل "الاله" است، به معنی "تنها معبود به حق" (عسکری، ۱۴۰۰ق، ۱۸۰). الله نام خدا در زبان عربی است و مسلمانان "الله" را تنها خدای عالم می دانند. در فارسی معادل این واژه را می توان کلمه خدا دانست و این نام جز بر خدا اطلاق نمی شود (طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۲۴). اسماء دیگر خداوند غالباً به عنوان صفت برای کلمه "الله" به کار می روند.

رب: یکی از اسماء الهی که بعد از اسم جلاله الله، بیشترین کاربرد را در قرآن دارد، واژه رب است. انبیا و اولیاء الهی نیز در ادعیه و مناجات شان با خداوند متعال، به این اسم، بسیار توسل جسته اند (فَدَعَا رَبَّهُ أَنِّي مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرَ - قمر: ۱۰). این واژه در قرآن از معانی مختلفی برخوردار است که با بررسی آیات پی می بریم این واژه در اکثر موارد در معنای خداوند متعال و در موارد اندکی در معنای غیر خداوند استعمال شده است.

واژه «رب» در قالب مضاف الیه (مانند عبارت عند رب که مورد نظر پژوهش حاضر است) و همچنین به صورت مضاف مانند (ربُّ العرش)، (ربُّ العالمین)، (ربُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ)، (ربُّ النَّاسِ)، (ربُّ الْفَلَقِ)، (رَبِّکُمْ)، (رَبِّنَا) و... در قرآن به کار رفته است.

در کتب لغت برای واژه "رب" معانی گوناگون نقل شده است، مانند: مصلح، مالک، صاحب، سید، مدبر، مربی، قیم، منعم و خالق که به نقل برخی از آنها می پردازیم:



- ۱- الرب: با الف و لام بر خداوند تبارک و تعالی اطلاق می‌شود و آن را صاحب شیء می‌گویند... و در معنای سید به کار رفته است. استعمال آن با الف و لام برای مخلوق به معنای مالک جایز نیست (مقری فیومی، بی تا، ج ۲، ص ۲۱۴).
- ۲- الرب همان خدای عزوجل است و او رب هر چیزی است یعنی مالک آن و الرب در غیر خداوند گفته نمی‌شود مگر به صورت اضافه. الرب در لغت به مالک، سید، مدبر، مربی، منعم و قیم اطلاق می‌شود (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۱۲۳).
- ۳- رب: پروردگار اصلاح‌کننده شیء است زیرا او اصلاح‌کننده احوال خلقش است (ابن فارس، ۱۴۰۲، ج ۳، ص ۱۲۵).
- ۴- رب از تربیت مشتق شده است و این کلمه به طور اطلاق جز به خدا گفته نمی‌شود و در غیر خدا مقید می‌آید نحو: رب الدار. رب به معنی مرتبی از اسماء حسنی است و مقام ربوبیت خداوند را روشن می‌کند یعنی آنگاه که در وصف خدا گفته شود: رب العالمین. مراد پرورش دادن و تربیت کردن تمام موجودات است (قرشی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۴۳).
- خلاصه اینکه لفظ رب در معانی متعددی به کار رفته است که در تمام این معانی، مشترک معنوی است و جامع آنها کلمه "من بیده امر التدبیر و الإدارة و التصرف" است. بنابراین، رب یعنی کسی که امر تدبیر امور و اداره آن و تصرف در امور، به دست اوست که یک مفهوم کلی است و معانی دیگر مانند تربیت، اصلاح، حاکمیت، مالکیت و صاحبیت، همگی مصادیق این مفهوم کلی هستند (سبحانی، بی تا، ۱۷) و اگر دقت کنیم «رب» یک معنی بیش ندارد و آن کسی است که اختیار و تصرف در امور مربوط به شیء را داشته باشد و سایر معانی رویه‌های مختلف از یک واقعیت است و در همه موارد آن، معنی واحدی که اختیارداری و سرپرستی است، محفوظ می‌باشد. مربی و مصلح و رئیس و مالک و صاحب، رویه‌های مختلف از یک واقعیت‌اند و هرگز نباید اینها را معانی مختلف شمرد، بلکه معنی «رب» که از ماده «ربب» گرفته شده، نه «ربی» همان کسی است که تدبیر و اراده و تصرف در چیزی از آن او باشد و دقت در آیات قرآن نیز همین معنا را می‌رساند (سبحانی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۲۵۰).



تحلیل و بررسی محتوایی عبارت «عندالله» در قرآن کریم

عبارت «عندالله» در قرآن کریم که مرکب است از کلمه «عند» و لفظ جلاله «الله»، «عند» اسم بوده و بر نوعی از ظرفیت دلالت می‌کند و می‌رساند که مدخول آن ظرف برای چیزی هست (النصاری ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۲۰۷) حال ظرف مادی (مکانی و زمانی) باشد، مثل اینکه می‌گوییم: «فلان کتاب نزد من است» و یا معنوی و احاطه علمی باشد، مثل اینکه می‌گوییم همه چیز از جمله علم (اعراف/ ۱۸۷ و احزاب/ ۶۳)، آیات (انعام/ ۱۰۹ و عنکبوت/ ۵۰)، عهد (التوبه/ ۷ و بقره/ ۸۰)، نصرت (آل عمران/ ۱۲۶ و

انفال/۱۰)، رزق (عنکبوت/۱۷ و آل عمران/۳۷)، خیر و بقاء (قصص/۶۰ و شوری/۳۶) نزد خداست. اما از آنجا که کلمات «عند»، «لَدُن» و «لَدَى» تا حدودی به یک معنا بوده و در مواردی نیز به جای یکدیگر مورد استفاده قرار می‌گیرند، با این تفاوت که «عند» هم برای حاضر و هم برای غائب به کار می‌رود (ازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۱۴، ص ۸۸)، عبارتی که «عِنْدَ اللَّهِ» در آن به کار رفته است دال بر این معناست که همه موجودات نزد خدا حاضر و در محضر او هستند و در جایی که بخواهیم از احاطه علمی او سخن بگوییم، تعبیر فوق را بیان می‌کنیم و این عبارت هیچ‌گونه دلالتی بر حضور حقیقی و یا نازل شدن چیزی از سوی خداوند به کسی یا چیزی ندارد و ابتداء و انتهاء در معنای «عِنْدَ اللَّهِ» نهفته نیست، چراکه طبق آیات صریح قرآن (لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَ هُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ) (انعام/۱۰۳) منظور از عندیت الهی حضور جسمی و درک باری تعالی نخواهد بود و خداوند محدود به زمان و مکان نبوده، بلکه حضور الهی حضور قیومیت است و از آنجا که قیوم بودن درباره خداوند که از جسم و صفات جسمانی منزّه است. مفهومی ندارد، به معنی انجام کار خلقت و تدبیر و نگهداری است؛ زیرا هنگامی که انسان می‌خواهد کاری را انجام دهد برمی‌خیزد. آری، او است که همه موجودات جهان را آفریده، تدبیر، نگاه‌داری و تربیت و پرورش آنها را برعهده گرفته است و به طور دائم و بدون هیچ‌گونه وقفه قیام به این امور دارد. از این بیان، روشن می‌شود: «قَيُّوم» در واقع، ریشه و اساس تمام صفات فعل الهی است (منظور از صفات فعل، صفاتی است که رابطه خدا را با موجودات جهان بیان می‌کند). امام خمینی معتقد است تمام موجودات ظاهر و باطن و تمام عوالم غیب و شهادت، تحت تربیت اسم الله و تمام حرکات و سکانات او به قیومیت اسم الله است اما حقیقت این قیومیت حق را کسی جز اولیاء خاص نمی‌دانند و قرب و بعد به نحو مجاز و استعاره است زیرا ساحت مقدس حق منزّه از قرب و بعد حسی و حتی معنوی است و احاطه حق بر همه موجودات احاطه قیومی است (خمینی، ۱۳۸۸، ص ۶۵۹: ۲۸۸).



دو فصلنامه
بهار و تابستان ۱۴۳
دوره پنجم، شماره نهم

در قرآن کریم عبارت "عندالله" در کنار موضوعات فراوانی به کار رفته است که می‌توان آنها را بر دو بخش تقسیم نمود: آیاتی که کتاب، رسول، آیات، دین، ثواب، خیر و ابقی را عندالله ذکر کرده‌اند، به نوعی بیانگر این است که خداوند با آوردن آنها در روند هدایت و بیان تکلیف الهی مرحله تبلیغ را بیان نموده و عدم پذیرش به عناد انسان‌ها برمی‌گردد چراکه وقتی مطلبی به طور مشخص تبیین و ذکر شود، دیگر جهل و نادانی در آن بی‌معنی خواهد بود. دسته دیگر آیات متصف به فعل خداوند است همانند رزق (آل عمران: ۳۷) و نصر (آل عمران: ۱۲۶) که خداوند متعال به اختصاص آنها به خود تصریح کرده است تا جای هیچ‌گونه ایراد و تردیدی باقی نماند و راه برای کسب معرفت و

۱- إِنَّمَا عَلَّمَهَا عِنْدَ اللَّهِ (اعراف: ۱۸۷/ احزاب: ۶۳) / قُلْ إِنَّمَا الْأَيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ (انعام: ۱۰۹/ عنکبوت: ۵۰) / كَيْفَ يَكُونُ لِلْمُشْرِكِينَ عَهْدٌ عِنْدَ اللَّهِ (توبه: ۷) / وَمَا تَنْصُرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ (آل عمران: ۱۲۶) / إِنَّ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ لَكُمْ رِزْقًا فَابْتَغُوا عِنْدَ اللَّهِ الرِّزْقَ (عنکبوت: ۱۷) / وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى (قصص: ۶۰)

ایجاد این رابطه دوسویه مشخص باشد و عبارت «من عندالله» در این آیات بیانگر این نکته است که تصریح نماید انسان در هیچ حال و احوالی از خداوند بی‌نیاز نمی‌باشد و درحقیقت فعل و کار خداوند محسوب می‌شوند و ذهن ما با دیدن افعال وی به وجود این اوصاف منتقل می‌گردد تا آنجا که اگر او به چنین کاری دست نمی‌زد، هرگز نمی‌توانستیم او را به این اوصاف توصیف کنیم؛ مانند رازق، که با فراهم ساختن وسایل زندگی مردم می‌گوییم او رازق است. پس اگر او مبدأ این کار نبود فعلی را انجام نمی‌داد و ما تنها به ذات او توجه می‌کردیم هرگز به وجود چنین اوصافی پی نمی‌بردیم (سبحانی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۸۵) و همچنین از جمله صفاتی هستند که در ثبوت و تحقق متوقف بر غیر است (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۷۳، ج ۴، ص ۹۸-۹۹) یعنی زمانی خدا به صفت رازقیت متصف می‌شود که هم خدا و هم مخلوقات و هم رابطه میان خدا و مخلوقات در نظر گرفته شود. در این صورت صفت رازقیت را انتزاع کرده و می‌گوئیم خداوند رازق موجودات است. همچنین در مورد نصرت الهی در آیه ۷ سوره محمد تصریح گردیده است که اگر خداوند را یاری دهید، او نیز شما را یاری خواهد نمود (یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ/محمد: ۷) و منظور از نصرت دادن به خدا، هرگونه یاری دادن مانند یاری دین و پیامبر خدا (ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۷، ص ۲۹۷؛ طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۹، ص ۱۴۹) و جهاد در راه خدا می‌باشد و مراد از اینکه فرمود: "خدا هم شما را یاری می‌کند" این است که اسباب غلبه بر دشمن را برای تان فراهم می‌سازد، مثلاً ترسی از شما در دل کفار می‌اندازد و امور را علیه کفار و به نفع شما جاری می‌کند و دل‌های شما را محکم و شجاع می‌سازد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۲۲۹).

تحلیل و بررسی محتوایی عبارت "عند رب" در قرآن کریم

آیاتی که عبارت عند رب در آن آمده است به چند دسته تقسیم می‌شود:

الف: در آیات فراوانی که ترکیب عند رب به کار رفته است، رب در معنای مربی بودن پروردگار و تربیت مخلوقات است و در کنار این تعبیر موضوعات متفاوتی مطرح شده است. خداوند عزیز چون مربی است و تربیت دارای نظام پاداش برای عاملین و مؤمنین و عذاب و شکنجه برای متخلفین است از عبارت عند رب استفاده نموده و خداوند مؤمنین را با اجر و پاداش و عده بهشت (بقره: ۶۲) تشویق به عمل نموده و در مقابل متخلفین را با وعده به عذاب از ارتکاب به جرم و جنایت بازداشتته و تحذیر نموده است (سجده: ۱۲/سبا: ۳۱). ظلم (ستم به خود و دیگران) و کفر (عدم پذیرش حق) چیزی جز سرشکستگی و عذاب و شکنجه در نزد مربی ندارد. به همین منظور از عبارت عند رب استفاده نموده است.

یکی از معانی رب، تربیت است و خداوند مربی اصلی کتاب خود به انبیای الهی است. او تفسیر این آیات را به پیامبر آموخته و پیامبر هم آن را به ائمه (ع) آموخته است. پس همه علم کتاب از ناحیه رب جلیل است و او مربی راسخون فی العلم می‌باشد. به همین سبب از عبارت عند رب در آیه ۷ آل



عمران استفاده شده است.

اعمال صالح نزد خدا بهترین ذخیره و چیزی باقی ماندنی است (مریم: ۷۶) زیرا مترتب ثواب و پاداش عاملین می‌گردد که یکی از شئون مریبی است.

عمل نیک مرضی پروردگار است (مریم: ۵۵) زیرا خداوند تربیت‌کننده و مریبی است و این اعمال در رشد بنده و رسیدن به کمال او را یاری می‌رساند.

پاسداشت محرمات یکی از توصیه‌های مریبی به تربیت‌شوندگان است (حج: ۳۰) و این یکی از شئون مریبی است به همین دلیل از تعبیر یا ترکیب عند رب استفاده نموده است.

بهره دنیا و آخرت برای متقین است (قلم: ۳۴) زیرا آنها گوش به فرمان مریبی خود هستند که مدبر و خالق عالم هستی است. خداوند مریبی عالم وجود است و به واسطه این صفت خوبان و ملائکه به عبادت وجود پروردگار خویش مشغولند (فصلت: ۳۸). درجه دادن به مؤمنین و رتبه‌بندی آنها یکی از صفات مریبی است (انفال: ۴).

ب: یکی از معانی رب، مالک و صاحب اختیار بودن است. او مالک دنیا و آخرت است. لذا در مورد تعدادی از آیات از این عبارت به منظور نشان دادن این مطلب استفاده نموده که چون خداوند مالک و صاحب اختیار روز قیامت است لذا کافرین و منافقین و اهل کتاب در روز قیامت در نزد پروردگار محاجه می‌کنند و اوست که این اختلافات را بررسی و داوری می‌کند (آل عمران: ۷۳) زیرا تنها او مالک و صاحب اختیار و حسابرس واقعی روز قیامت است. خداوند مالک یوم الدین است. پس تنها او داننده زمان وقوع قیامت و حسابرسی اعمال مخلوقین است (آل عمران: ۱۸۷).

ج: یکی از تعاریف رب منعم است و شهدا و مؤمنین زنده‌اند و در جوار رحمت الهی روزی خورده و از نعمت‌های او بهره‌مندند (حدید: ۱۹).

د: در آیه ۴۴ سوره یوسف عند رب به معنای پادشاه به‌کار رفته است. یکی از معانی رب؛ قیم، سرپرست و پادشاه است و چون فرعون صاحب اختیار و پادشاه آن یار زندانی یوسف بوده از این عبارت استفاده شده است.

ه: یکی از تعاریف رب خالق است. چون خداوند خالق عالم هستی است نهایت کمال هر شیء را می‌داند و آن را به سوی کمال خود هدایت می‌کند. لذا هر آنچه برای مخلوق ضرر داشته به عنوان گناه یا سیئه و به عنوان حکم و دستور نهی نموده است. شاهد مثال این معنا آیه ۳۸ سوره اسراء می‌باشد. همان‌گونه که قبلاً اشاره گردید رب در تمامی این معانی مشترک معنوی است و در مجموع موضوعاتی که عبارت عند رب در کنار آنها به‌کار رفته است بیانگر این است که رب پرورش‌دهنده‌ای است که به موجود مورد تربیت خویش نشو و نما می‌دهد تا آنجا که آن موجود به کمال برسد و متعهد است که برای زیست موجودات مورد تربیتش قانون‌گذاری کند و او را به وسایل رسیدن به کمال خود مجهز ساخته و در این راه راهنمایی می‌کند (عسکری، ۱۳۸۸، ص ۵۹). تأمین نیازهای موجود مورد تربیت مثل تدوین قانون‌های لازم جهت زندگانی و هدایت از شئون اصلی ربوبیت است و چنانچه در آیات

سوره اعلی آمده است هدایت از ابتدای پیدایش و تکوین موجود تا پایان حیات ادامه دارد. خداوند متعال چون رب جهان و موجودات است، هدایت همه آنها را به دست دارد. رب جهان بر اساس صفت ربوبیت، بعد از خلقت موجود و اعطاء وسایل تحصیل کمال، او را به راه کمال راهنمایی می‌کند.

معارف قرآن و طرح دسته‌بندی آن

با اینکه در بسیاری از روایات می‌خوانیم که علم کامل قرآن نزد پیغمبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) است و آنان معلم و مفسر حقیقی قرآن هستند [چنان‌که قرآن درباره پیغمبر اکرم (ص) می‌فرماید که معلم و مبین قرآن، خود پیغمبر اکرم است و (يَعْلَمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ/ جمعه: ۲)]. با این حال، می‌بینیم که هم خود پیغمبر اکرم (ص) و هم ائمه اطهار (ع) تأکید می‌کنند که به قرآن مراجعه کنید و حتی می‌فرمایند: «اگر در صحت روایات منقول از ما شک کردید آنها را با قرآن بسنجید». در روایات بابی وجود دارد به نام عرض علی‌الکتاب و در کتاب‌های اصول در باب تعادل و ترجیح ذکر می‌شود، که یکی از مرجحات و یا شرایط اعتبار روایت، موافقت و عدم مخالفت آن با قرآن است. بله البته طبق روایات یکی از راه‌های تشخیص صحت حدیث، عرضه بر قرآن است. اما اینکه توسط چه کسی این کار صورت گیرد بسیار مهم است، چرا که اگر هرکس بتواند خودش قرآن را بفهمد و روایات را عرضه بر قرآن کند جایگاه مفسران واقعی و این همه روایاتی که از تفسیر به رأی منع می‌کند نامعلوم می‌گردد. لذا برای جمع این روایات باید به عالم دین (عالمی که واقعی باشد یا به گونه‌ای در این خانه تربیت شده باشد) مراجعه کرد تا او عرضه کند و ما اخذ نمائیم و با توجه به دلالت‌های آنان بتوانیم از معارف قرآن بهره‌مند گردیم. اما ما در عین حال مأموریم هم از طرف خود قرآن و خدای متعال، و هم بنا بر تأکیدهای پیغمبر اکرم (ص) و توصیه‌های ائمه اطهار (ع)، در آیات قرآن تدبیر کنیم، ما موظفیم معارف قرآن را به صورت سیستماتیک و منظم عرضه کنیم، به صورتی که پژوهشگر بتواند از یک نقطه شروع کند و زنجیروار حلقه‌های معارف اسلامی را به هم ربط دهد و در نهایت به آنچه هدف قرآن و اسلام است، نائل شود. پس ناچاریم معارف قرآنی را دسته‌بندی کنیم و به آنها شکلی دهیم تا آموختن آنها برای کسانی که وقت کمی دارند، آسان و نیز در مقابل نظام‌های فکری دیگر قابل عرضه باشد.

برای دسته‌بندی معارف قرآن باید نظام خاصی را برای موضوعات در نظر گرفته، آنگاه برای هر موضوعی، آیاتی را پیدا کرده، و در کنار یکدیگر قرار داده و سپس درباره آنها اندیشید و از همدیگر برای روشن کردن نقطه‌های ابهامی که احیاناً وجود دارد کمک گرفت. یعنی تفسیر القرآن بالقرآن همان راهی که علامه بزرگوار طباطبائی در تفسیر المیزان نشان داده‌اند و عمل کرده‌اند و با نگرشی نو به قرآن، آیات را با استمداد از تدبیر و استنتاج معنای آیه از مجموع آیات ذی‌ربط تفسیر کرده است. علامه، روش تفسیر «قرآن به قرآن» را حاصل تعلیم پیامبر و اهل بیت (علیهم السلام) و تفسیر واقعی قرآن معرفی می‌کند: چنان‌که پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) می‌فرماید: «وَإِنَّمَا نُزِّلَ لِيُصَدِّقَ بَعْضُهُ بَعْضاً» و امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیز می‌فرماید: «يَنْطِقُ بَعْضُهُ بَعْضٌ وَيَشْهَدُ بَعْضُهُ عَلَى بَعْضٍ»



(طباطبایی، ۱۳۸۸؛ ۷۸).

می دانیم که قرآن کریم دسته بندی های مرسوم در کتب بشری را مورد نظر قرار نداده است. پیدا کردن عنوانی کلی برای مفهوم یک یا چند آیه، کار مشکلی نیست ولی شکل دادن و گنجاندن عناوین در یک نظام مشکل است. پژوهنده در این تحقیق سعی کرده است برگرفته از طرح دسته بندی آقای مصباح یزدی، یک مدل مفهومی برای آیات مورد نظر تحقیق ارائه نمایند تا اشتراکات، افتراقات، هم پوشانی و بیشترین و کمترین موضوعات مطرح شده در ذیل عبارات عندالله و عند رب مشخص گردد. در این طرح می توانیم نظام معارف قرآنی را به صورت زیر در نظر بگیریم:

- ۱- خداشناسی (توحید، صفات و افعال الهی و..)
- ۲- تاریخ انبیاء و معصومین (ع) و قوم آنها (راهنماشناسی)
- ۳- انسان شناسی (ابعاد جسمی و روح انسان)
- ۴- معاد (فرجام شناسی و بحث مرگ، قبر، برزخ، قیامت و عالم آخرت)
- ۵- جهان شناسی (عالم دنیا، ملائکه، جن، علوم و...)
- ۶- قرآن شناسی (شناخت ابعاد کلام الله مجید)
- ۷- احکام و اخلاق (راه شناسی)

نخست به مسائل خداشناسی و انسان شناسی وارد شده، سپس سایر مسائل انسانی از راه تدبیر و تربیت الهی نسبت به انسان مورد بحث قرار داده می شود. در بخش انسان شناسی و معاد روشن می گردد که زندگی دنیا مقدمه ای برای آخرت و مرحله ای است که انسان باید با انتخاب خود، راه سعادت را برگزیند و سرنوشت نهایی خود را بسازد و تدبیرات الهی در این جهان بر محور تأمین مقدمات انتخاب (ابتلا و آزمایش) دور می زند.

در احکام و اخلاق برنامه های عملی قرآن برای انسان در رابطه با خدا، و با خود، و با دیگر انسان ها مطرح می شود و تعالیم این کتاب آسمانی درباره هر بخش جداگانه مورد بررسی قرار می گیرد. خودشناسی و خودسازی و نیز خیر و شر در افعال اختیاری و رابطه آنها با کمال و سعادت نهایی، روش تربیت و تزکیه قرآن (بیدار کردن انگیزه های خیرجویی به وسیله انداز و تبشیر) نقش ایمان و عمل و بیان رابطه آنها با یکدیگر و رابطه هر دو با علم و سرانجام تفصیل اخلاق فاضله و رذیله مطرح می شود. این بخش به این مناسبت بعد از «قرآن شناسی» می آید که در آن به این نتیجه می رسیم که هدف قرآن، تزکیه و تعلیم است. تزکیه بحث اخلاق و خودسازی را ایجاب می کند و تعلیم بحث های آینده را. در همه مراحل ارتباط با محور اصلی «الله» کاملاً محفوظ است (مصباح یزدی، ۱۳۶۸، ص ۱۰-۱۶).

یافته های حاصل از بخش دسته بندی معارف قرآن

از مجموع ۵۸ مورد تکرار عبارت "عندالله" در آیات مشاهده می شود ۲۹ درصد درباره موضوع معاد،



۲۳ درصد درباره موضوع احکام و اخلاق و ۱۷ درصد موضوع انسان‌شناسی و ۱۶ درصد درباره موضوع خداشناسی می‌باشد و ۱۵ درصد مابقی مربوط به موضوع انسان و قرآن‌شناسی می‌باشد. بیشترین مورد تکرار در مورد متعلقات عندالله مربوط به موضوع معاد و کمترین کاربرد برای موضوع قرآن‌شناسی می‌باشد.

همچنین از مجموع ۳۹ مورد تکرار "عند رب"، ۵۹ درصد درباره موضوع معاد و ۱۵ درصد درباره موضوع تاریخ انبیاء و معصومین و قوم آنها و ۱۳ درصد درباره موضوع احکام و اخلاق می‌باشد و ۱۳ درصد مابقی در مورد انسان، خدا و جهان‌شناسی می‌باشد. بیشترین مورد تکرار در مورد متعلقات عند رب مربوط به موضوع معاد و کمترین کاربرد برای موضوع جهان‌شناسی می‌باشد.

نتایج به دست آمده از تحلیل سؤالات تحقیق

- ۱- موضوع قرآن‌شناسی تنها همراه با عبارت عندالله به کار رفته است.
 - ۲- موضوع جهان‌شناسی تنها همراه با عبارت عند رب به کار رفته است.
 - ۳- بین موضوعات معاد، خداشناسی، تاریخ انبیاء و معصومین و قوم آنها، احکام و اخلاق و انسان‌شناسی بین عندالله و عند رب هم‌پوشانی وجود دارد و کلام الله مجید از هر دو عبارت برای بیان این موضوعات استفاده نموده است.
 - ۴- بیشترین هم‌پوشانی در استفاده از عبارت عندالله و عند رب در موضوع معاد بوده است.
 - ۵- کمترین هم‌پوشانی در استفاده از عبارت عندالله و عند رب در موضوع انسان‌شناسی بوده است.
- با عنایت به یافته‌های تحقیق حاضر همه فرضیه‌های تحقیق تأیید می‌شود و مشخص گردید که بین به‌کارگیری متعلقات عند رابطه معناداری وجود دارد، در این تحقیق معلوم شد که: آیاتی که در آن عبارات مذکور به کار رفته است هرکدام متوجه امور خاصی از دنیا و آخرت است که از جمله این امور می‌توان به نصرت، رزق، کتاب، دین، غنیمت، آیات، ثواب و عقاب بندگان توسط خداوند و ... اشاره نمود. حال برخی از این موارد جهت تشویق بندگان در مسیر کمال انسانی به قدر وسع بشری برای مخلوقات قابل حصول هستند و مواردی که قابل حصول نیستند جهت تذکر بندگان به این نکته است که در مسیر آنها خود را به تکلف نیندازند و بین آیات مختلفی که عبارات مشابه دارند به نوعی همگونی برقرار است، به عنوان مثال علم، درجات پاداش الهی، شهدا و ... از مشترکات بین تعابیر عندالله و عند رب است.

در مورد عندالله و عند رب پرتکرارترین موضوعات به ترتیب عبارت‌اند از: پاداش اعمال، تاریخ انبیاء و احکام که در این مورد با هم اشتراک دارند البته میزان تکرار در هر کدام متفاوت است، بدین صورت که تعداد تکرار در مورد پاداش اعمال، ویژگی‌های مؤمنین و معصومین مساوی، در مورد تاریخ انبیاء و ویژگی کفار در عندالله دو برابر عند رب و در احکام در عندالله سه برابر عند رب تکرار دیده می‌شود. همچنین در مورد آیات الهی در عندالله ۴ برابر عند رب تکرار دیده می‌شود.



تنها در سه موضوع بین عندالله و عندرب اشتراک محتوایی وجود دارد و آن بحث علم زمان وقوع قیامت، درجات مؤمنین و بهشت می باشد که همگی جزء امور اخروی است که کلام الله مجید با توجه به تنبیه دادن مؤمنین به عمل و در نظر داشتن آنها به آخرت از هر دو عبارت عندالله و عندرب استفاده نموده و در دیگر موارد هر کدام بنا بر مصلحت خود از عبارت عندالله یا عندرب و دیگر تعابیر استفاده نموده است. به هر حال با توجه به بررسی کلی می توان به این نتیجه رسید که در عبارت عندالله بیشتر توجه به امور دنیوی مانند بیان احکام (مانند حکم شهادت زنا، حکم نوشتن سند، ممنوعیت ازدواج با همسران پیامبر و...)، قرآن شناسی، رزق، نصرت، کتاب الهی، فال بد، مکر، تاریخ انبیاء و... مطرح است و در عبارت عندرب بیشتر به تنبیه مؤمنین به امور اخروی مانند دارالسلام، قدم صدق، نزول عذاب بر کافران و مجرمین و احوال مجرمین در آخرت و.. توجه شده است. در بیشتر موارد بحث معاد مطرح شده است و قرآن کریم بسیار هنرمندانه روز قیامت را به تصویر کشیده است، تا باورمندی معاد و پذیرش آن برای مردم آسان تر شود چرا که این باورمندی را به شیوه زندگی افراد، جهان بینی و هدایت ایشان تأثیر به سزایی دارد.

منابع قرآن کریم



دو فصلنامه
بهار و تابستان ۱۴۳
دوره پنجم، شماره نهم



۱. ابوالفتح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸ق)، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، آستان قدس رضوی: بنیاد پژوهش های اسلامی.
۲. ابن فارس، ابوالحسین بن زکریا (۱۴۰۲ق)، معجم مقاییس اللغة، تحقیق و ضبط عبدالسلام محمد هارون (چاپ دوم)، مصر.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت: دار صادر.
۴. ازهری، محمد بن احمد (۱۴۲۱ق)، تهذیب اللغة، چاپ اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۵. النصارى، ابن هشام (۱۴۰۸ق)، مغنی اللیب، قم: مکتبه السید الشهداء.
۶. خمینی، روح الله (۱۳۸۸)، شرح چهل حدیث، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات الفاظ قرآن، محقق: داوودی، صفوان عدنان (چاپ اول)، بیروت: دار الشامیه.
۸. سبحانی، جعفر (بی تا)، الاسماء الثلاثة: الاله و الرب و العباده، بی جا.
۹. -----، منشور جاوید (۱۳۸۳)، (چاپ اول)، قم: مؤسسه امام صادق (ع).
۱۰. -----، الالهیات علی هدی الكتاب و السنة و العقل (۱۴۱۱)، (چاپ سوم)، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
۱۱. صدوق، محمد بن علی (۱۴۰۷ق)، التوحید، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۱۲. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵)، مجمع البحرین، ترجمه احمد حسینی اشکوری. تهران: مکتبه المرتضویه.
۱۳. طباطبائی، محمدحسین (۱۳۷۳)، بدایه الحکمه، ترجمه علی شیروانی، (چاپ اول)، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

۱۴. ---- (۱۳۷۴ش)، تفسیر المیزان، ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۵. ----، (۱۳۸۸)، قرآن در اسلام، قم، بوستان کتاب قم.
۱۶. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۵ق)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات
۱۷. عسکری، حسن بن عبدالله (۱۴۰۰ق)، الفروق فی اللغة، (چاپ اول) بیروت: دار الافاق الجدیده.
۱۸. عسکری، مرتضی (۱۳۸۸)، نقش ائمه در احیاء دین، قم: دانشکده اصول الدین.
۱۹. علوی حسینی، نیره السادات (۱۳۹۶)، آل الله در کتاب الله، انتشارات طویای محبت.
۲۰. قرشی، علی اکبر (۱۴۰۷ق)، قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۲۱. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت: مؤسسة الوفاء.
۲۲. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۶۸)، معارف قرآن: خداشناسی، کیهان شناسی، انسان شناسی، قم: مؤسسه در راه حق.
۲۳. مقرئ فیومی، احمد بن محمد (بی تا)، المصباح المنیر، بیروت: مؤسسة الوفاء.

